

ایران در هفته ای که گذشت!

(۲۸)

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

سقوط هواپیمای نظامی ایران

یکی از هواپیمای مسافربر نظامی جمهوری اسلامی، عصر روز چهارشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۸۱ (۱۹ فوریه ۲۰۰۳) در ۳۵ کیلومتری شهر کرمان سقوط کرد و همه ۳۰۲ سرنشین آن کشته شدند. این هواپیما از نوع «ایلیوشین» متعلق به نیروی هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. این هواپیما از زاهدان عازم کرمان بود و تمام سرنشینان آن از نیروهای لشکر ۴۱ ثارالله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی زاهدان و اعضای نیروهای ویژه گردان حفاظت رهبری بوده اند.

تلویزیون جمهوری اسلامی به نقل از منابع رژیم، گزارش داده است که سرنشینان هواپیما جهت انجام ماموریتی مهم به استان سیستان و بلوچستان اعزام شده بودند. همچنین خبرگزاری رویتر نیز به نقل از منابع جمهوری اسلامی، گزارش داده است که تعدادی از افسران بلندپایه سپاه پاسداران جزء سرنشینان این هواپیمای بودند. رسانه های جمهوری اسلامی می گویند علت سقوط هواپیما هنوز مشخص نیست.

جمهوری اسلامی، بیش از هیجده هزار تن را مامور جست و جوی اجساد مسافران هواپیمای سقوط کرده سپاه پاسداران کرده است. به گزارش خبرگزاری های جمهوری اسلامی، نیروهای سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و نیروی بسیج استان کرمان در جست و جوی اجساد مسافران هواپیما هستند. دلیل این که جمهوری اسلامی، این همه نیروی را بسیج کرده است، تنها برای یافتن اجساد کشته شدگان نیست، بلکه بسیاری از افراد کشته شده، اعضای گردان حفاظت رهبری که برای تامین امنیت خامنه ای به زاهدان رفته بودند، هنگام بازگشت در این سانحه هوایی جان خود را از دست دادند، اسناد و مدارک

سری و تجهیزاتی به همراه داشتند که اگر آن‌ها به دست مردم بیافتد، شاید برای رژیم خطرناک باشد. آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی که قرار بود به استان سیستان و بلوچستان سفر کند، ظاهراً سفر خود را به این استان لغو و یا به تاخیر انداخته بود و اعضای این گردان، در بازگشت به مرکز خود، دچار این سانحه شدند. ظاهراً هوای نامناسب و فرسوده بودن هواپیما، دلیل سقوط این هواپیما و کشته شدن دو بیست و هشتاد نفر از فرماندهان و اعضای گردان حفاظت رهبری، به همراه هیجده نفر خدمه این هواپیما اعلام شده است، اما این احتمال نیز وجود دارد که این هواپیما، به دلایل نامعلومی در هوا منفجر شده باشد.

در زمستان سال گذشته یکی از هواپیماهای مسافری ایران، که ساخت روسیه از نوع توپولوف بود در غرب ایران سقوط کرد و ۱۱۷ نفر از مسافران آن جان خود را از دست دادند. در بهار سال گذشته یک هواپیمای دیگر ساخت روسیه نیز سقوط کرد و سی نفر کشته شد که وزیر راه و ترابری و شش تن از نمایندگان مجلس جمهوری اسلامی در میان کشته شدگان بودند.

خطوط هوایی ایران، حدود هشتاد فروند هواپیمای مسافری دارد که سی تا چهل فروند از آن‌ها ساخت روسیه‌اند و بقیه آن‌ها به جز ده فروند هواپیمای فوکر ساخت هلند شامل هواپیماهای بوئینگ آمریکایی و ایرباس فرانسوی است که به جز دو یا سه هواپیمای ایرباس، همگی آن‌ها بیش از انقلاب سال ۱۹۷۹ خریداری شده‌اند و به دلیل عمر زیاد فرسوده هستند.

محسن سازگارا دستگیر شد

محسن سازگارا، مدیر عامل سابق شرکت انتشاراتی جامعه روز و توس و برخی دیگر از روزنامه‌های توقیف شده، روز سه‌شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۸۱ دستگیر شد. وحید سازگارا، فرزند محسن سازگارا، در گفت‌وگویی با رادیو بی‌بی‌سی گفت که از علت و هویت دستگیرکنندگان پدرش اطلاعی ندارد. وی به ایسنا نیز گفت: نمی‌دانم کدام نهاد یا مرکز و ارکان آقای سازگارا را دستگیر کرده و به کجا برده‌اند. وی افزود: یکی از دوستان پدرم نیز همراه او بود که از وضعیت او نیز خبر نداریم. به گفته وحید سازگارا، پدرش را حدود ظهر روز سه‌شنبه دستگیر و سپس ماموران او را به منزل آورده و فیلم‌ها و نوارها و قطعات کامپیوتوری را نیز با خود برده‌اند. سازگارا، پس از تعطیلی روزنامه‌هایی که با آن‌ها همکاری داشت، یک سایت اینترنتی به نام «ال ایران» راه انداخته بود.

سازگارا، در روزهای اخیر، در سایت‌های اینترنتی نامه‌ای را منتشر کرده بود که در آن انتقاداتی به جناح به اصطلاح «انحصارطلب» کرده بود و همچنین خواهان تغییراتی در قانون اساسی رژیم شده بود.

تعطیلی سایت های اینترنتی

ماموران شرکت مخابرات ایران، برخی از سرویس دهندگان اینترنتی (آی اس پی)، تعطیل و پلمپ کرده اند.

ایسنا به نقل از محمدصادق جدیدی، رییس انجمن صنفی «آی اس پی»ها گزارش کرده است که این اقدامات بدون اخطار قبلی صورت گرفته است. این در حالی است که مقامات مسئول در حال بررسی شرایط این شرکت ها و ارائه مجوز به آن ها هستند.

اخیرا اعلام شده است که بیش از دو میلیون نفر در ایران به اینترنت دسترسی دارند. این رقم نسبت به چند ماه پیش صددرصد افزایش نشان می دهد. در حال حاضر بیش از صدها کافه اینترنتی در تهران به مشتریان خود سرویس اینترنتی می دهند و صدها کافه دیگر نیز در شهرستان ها فعالیت دارند. کارت های اینترنتی در سطح وسیعی در تهران و شهرستان ها به فروش می رسد و این کارت ها امکان دسترسی به اینترنت را فراهم می سازد.

تا پنج سال آینده ۹ میلیون و دویست هزار بی کار

تا پنج سال آینده ایران با ۹/۲ میلیون نفر جوان جویای کار روبه رو خواهد بود. مطلب فوق را مهندس طهماسب مظاهری وزیر امور اقتصادی و دارایی در همایش آینده اقتصاد ایران بیان کرد و افزود: این موج تقاضای کار در سال های آینده کار سنگین تر و سیاست گذاری صحیح تری را می طلبد. وی گفت: در حال حاضر کشور با ۳ میلیون و دویست هزار نفر بی کار روبه رو است که در صورت پاسخ گویی به نیاز آن ها می توانیم امید داشته باشیم موج ۹/۲ میلیون نفر بی کار سال های آینده را مهار کنیم.

وی در ادامه گفت: بنا بر پیش بینی های انجام شده و با توجه به وضعیت دانشگاه ها و عرضه نیروی کار به نظر می رسد که بیش از ۳۵ درصد جمعیت جویای کار در آینده را زنان تشکیل خواهند داد. شایان ذکر است که آمارهای غیردولتی، رقم بی کاران در ایران را بیش از ۸ میلیون نفر اعلام کرده اند و روزی نیست که خبر بی کاری صدها کارگر، در اثر سیاست خصوصی سازی و بستن کارخانه ها منتشر نشود.

اخراج کارگران شرکت نخریسی و نساجی خسروی خراسان

مدیرعامل شرکت نخریسی و نساجی خسروی خراسان حکم اخراج کارگران این شرکت را صادر کرد. کارگران شرکت سهامی نخریسی و نساجی خسروی خراسان که حکم عذر و اخراج از سوی مدیرعامل

شرکت را دریافت کرده‌اند با مراجعه به دفتر روزنامه کیهان، با اشاره به سوابق کاری نیروها، یادآور شدند حدود یک صد نفر از کارگران شرکت نخریسی خراسان فقط تا پایان سال می‌توانند مشغول به کار شوند.

نمایندگان کارگران با بیان این که شرکت نخریسی از نظر تولید و تامین مواد اولیه هیچ‌گونه مشکلی ندارد، دلایل ورشکستگی شرکت را کاملا غیرمنطقی و ضعف مدیرعامل آن ذکر کردند و افزودند: چون موقعیت مکانی و زمین کارخانه از ارزش زیادی برخوردار است کارخانه به شهرستان نیشابور منتقل شده و می‌خواهند زمین کارخانه را به فروش برسانند و به این بهانه کارگران را اخراج می‌کنند.

در نامه‌ای که از سوی مدیرعامل شرکت سهامی نخریسی و نساجی خسروی خراسان خطاب به کارگزینی نوشته شده و در تابلو اعلانات نصب شده است: «در تابلو اعلانات کارخانه به اطلاع کلیه پرسنل قراردادی، تولیدی، فنی، خدماتی و انبارها برسانید، علی‌رغم رکود کلیه قسمت‌ها قرارداد کاری آنان تا پایان اسفند ماه ۸۱ تمدید شد و لیکن مدیریت شرکت از تمدید قرارداد کلیه پرسنل قراردادی فوق‌الذکر از ابتدای سال ۸۲ معذور خواهد بود».

شرکت نخریسی خراسان، یکی از با سابقه‌ترین واحدهای مطرح خراسان به شمار می‌رود.

تجمع کارگران معترض کارخانه نساجی رحیم‌زاده اصفهان

کارگران کارخانه نساجی رحیم‌زاده اصفهان، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دیگر مطالبات‌شان دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران معترض که تعدادشان حدود پانصد نفر بود، ۶ ماه است که دستمزد خود را دریافت نکرده‌اند. کارگران معترض گفتند: ظرف یک سال گذشته فقط ۶ ماه حقوق ما پرداخت شده و حتا عیدی و پاداش سال قبل را نیز دریافت نکرده‌ایم. آنان همچنین از احتمال بی‌کار شدن خود اظهار نگرانی کردند: حدود ۱۰ روز است که مواد اولیه برای تولید نداشته‌ایم و تا به حال بی‌کار بوده‌ایم. یکی از کارگران معترض گفت: با وجود تاخیر در پرداخت حقوق اگر مواد اولیه در اختیار ما قرار گیرد به کار خود ادامه خواهیم داد ولی بی‌کاری و مشکلات ناشی از آن را نمی‌توانیم تحمل کنیم.

در حالی که نیروهای انتظامی در محل اعتراض کارگران حاضر شده بودند، کارگران پس از گرفتن وعده و پی‌گیری مطالبات‌شان، موقتا به تجمع خود پایان دادند.

کارگران ۶۱ بار افزایش دستمزد طلبکارند

علیرضا محبوب، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی گفت: شورای عالی کار در تعیین

حداقل دستمزد کارگران باید به تورم ۲۰ درصدی کشور و افزایش ۳۰ درصد نقدینگی که در سال‌های اخیر ۵۰ درصد تورم پنهان و آشکار را به جامعه تحمیل کرده است، توجه کند.

محبوب، در گفت‌وگو با ایرنا افزود: تعیین میزان حداقل دستمزد برای شورای عالی کار بسیار دشوار است. وی خاطر نشان ساخت: حدود دو ماه پیش پیشنهاد تشکیل کمیته سه جانبه‌ای برای تعیین میزان حداقل دستمزد با توجه به سبد هزینه زندگی ارایه شد که متأسفانه در دستور جلسه شورای عالی کار قرار نگرفت.

براساس ماده ۴۱ قانون کار، شورای عالی کار موظف است همه ساله میزان مزد کارگران را با توجه به درصد تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی برای زندگی یک خانواده متوسط تعیین کند. محبوب گفت: اگر بنا باشد حداقل دستمزد کارگران همانند سال ۱۳۵۸ تعیین شود، حداقل دستمزد کارگران روزانه ۶۰ هزار ریال و ماهانه یک میلیون و ۸۰۰ هزار ریال خواهد شد.

محبوب نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، اقرار کرد: جدول افزایش دستمزد از سال ۱۳۵۸ تاکنون ۴۰ بار افزایش داشته که این موضوع ۶۱ بار کم‌تر از کاهش ارزش پول ملی است. محبوب گفت: با کاهش ارزش پول ملی، کارگران ۶۱ بار افزایش دستمزد از سال ۱۳۵۸ تاکنون طلب‌کار هستند.

لازم به یادآوری است که این دستمزد ناچیز کارگران را نیز به موقع پرداخت نمی‌کنند. بنا به گزارش کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های آزاد در سال ۲۰۰۲، حدود یک میلیون کارگر در صنایع ایران، از سه تا سی و شش ماه دستمزد و مزایای خود را نتوانسته‌اند دریافت کنند.

بی‌کاری عامل اصلی رشد حوادث ناگوار اجتماعی است!

دکتر فرید فدایی، روانپزشک، عضو هیات علمی دانشگاه، در مورد روی آوری به بزهکاری گفت: محیط نامناسب خانوادگی و فقر، تبعیض، محرومیت، بی‌سوادی، بی‌کاری و اعتیاد از دیگر عوامل زمینه ساز بروز رفتارهای بزهکارانه در افرادی است که استعداد روانی یا جسمی بزهکاری را دارند.

دکتر فدایی در ادامه گفت‌وگو با یکی از روزنامه‌ها، با تأکید بر نقش بی‌کاری در افزایش ارتکاب به جرایم گفت: روبه‌رویی جامعه با مشکلات فرهنگی و اقتصادی سبب افزایش میزان بزهکاری می‌شود، همچنین الگوهای غلط اجتماعی نظیر تشویق مستقیم یا غیرمستقیم بر مصرف‌گرایی، ترویج تجل‌گرایی در شرایط بی‌دادگر بی‌کاری، نمایش فیلم و سریال‌های خشونت‌آمیز که افراد در آن با جنایت و جرم به خواسته‌های خود می‌رسند، نقش موثری در این زمینه دارند. وی تأکید کرد: هر اندازه اجتماعی فقیرتر و دارای جمعیت و در نتیجه بی‌کاران بیش‌تر باشد میزان جرایم در آن افزایش می‌یابد. به گفته این روانپزشک یکی از روش‌های بنیادین پیش‌گیری و کاهش رفتارهای بزهکارانه در

جامعه رفع بی‌کاری و حداقل جلوگیری از رشد آن در جامعه است. وی ادامه داد: متأسفانه در چند سال اخیر، جامعه با رکود اقتصادی شدید، تعطیلی کارخانه‌ها، افزایش مهاجرت و بی‌کار شدن تعداد زیادی از مردم روبه‌رو بوده است که این امر آن‌ها را مستعد بزهکاری کرده است.

متکدیان به انواع بیماری‌های مسری مبتلا هستند

براساس آزمایش‌های پزشکی، ۹۰ درصد از متکدیان ناقل بیماری‌های مسری مانند هپاتیت و ایدز هستند.

مدیرعامل موسسه دهر جمهوری اسلامی گفته است که اغلب متکدیان که معتاد نیز بودند هنگام آزمایش خون وجود ویروس ایدز در آنان تایید شده است. متأسفانه متکدیان مبتلا به ویروس ایدز، بدون حمایت و با قرنطینه‌ای بعد از مدتی در جامعه رها می‌شوند. وی اضافه کرد: به نظر من، سامان‌دهی متکدیان به خصوص آنانی که ناقل ویروس ایدز و هپاتیت هستند، امکان‌پذیر نخواهد بود مگر از سوی مسئولان ذیربط حمایت شوند. در بین متکدیان دختران و پسران ۱۳، ۱۵ و ۱۶ ساله دیده می‌شوند که ناقل ویروس ایدز هستند. هم اکنون ۳۰۰ متکدی در موسسه دهر خراسان به مدت سه ماه نگهداری و سپس رها می‌شوند.

براساس آمارهای موجود، شهر مشهد ده هزار متکدی فصلی و نیمه فصلی دارد و موسسه دهر شهرداری مشهد نخستین موسسه در کشور است که ظاهراً کار جمع‌آوری و سامان‌دهی متکدیان در مشهد را بر عهده دارد.

بی‌شک این انسان‌ها قربانیان سیستم غیرانسانی جمهوری اسلامی و باندهای مافیایی هستند که بدون امکانات در جامعه رها شده‌اند و از روی اجبار به گدایی روی آورده‌اند تا زندگی دردناک و فنا شده خود را از این راه بگذرانند.

ناگفته نماند که درآمد آستان قدس، در شهر مشهد، بیش‌تر از بودجه کل کشور است، با این وجود هزاران نفر در این شهر بی‌خانمان و بی‌پناه از سر فقر و بدبختی دست به گدایی باز می‌کنند؟! چرا که حق و حقوق این انسان‌ها را سردمداران و عوامل رژیم به جیب می‌زنند

روزانه ۷ میلیارد تومان صرف سیگار می‌شود

یک محقق و استاد دانشگاه اعلام کرد که در ایران، روزانه بیش از دو میلیارد تومان صرف کشیدن سیگار و سه برابر این رقم یعنی روزانه ۷ میلیارد تومان صرف هزینه‌های بیمارستانی و دارویی این

افراد می‌گردد. سیگار در این کشور، سالیانه حداقل ۵۰ هزار قربانی می‌گیرد. تاسف‌بار این که سن کشیدن سیگار در جوانان ما، بسیار پایین آمده و قشر وسیعی از جوانان از ۱۳ سالگی کشیدن سیگار را آغاز می‌کنند.

شایان ذکر است که در حال حاضر سالیانه فقط ۳۵ میلیارد نخ سیگار قاچاق وارد ایران می‌شود و طبق آمار رسمی کل سیگار مصرفی کشور، به ۵۰ میلیارد نخ می‌رسد و هزینه ریالی سالیانه این میزان سیگار حدود ۸۰۰ میلیارد تومان و هزینه ارزی آن که از طریق قاچاق وارد کشور می‌شود به یک میلیارد دلار می‌رسد. (حدوداً روزی سه میلیون دلار) این رقم بیش از دو برابر کل ارز دارویی کشور می‌باشد. بالا بودن هر دو رقم نشانه رابطه مستقیم کشیدن سیگار و مصرف دارو است.

دکتر محمداسماعیل ذوالفقاری، استادیار دانشکده داروسازی، که با یکی از روزنامه‌ها گفت‌وگو می‌کرد، افزود: روزانه در کشور ما حدود ۴ میلیارد تومان صرف دود شدن سیگار می‌گردد و ۳ برابر این مقدار نیز صرف درمان سیگاری‌ها می‌شود که شامل درمان انواع بیماری‌های قلبی، عروقی، ریوی، گوارشی، پیری، پوست و... می‌شود. دلایل عمده علایق افراد به سیگار: ۱- تحریک: معتادان فکر می‌کنند به آن‌ها سرخوشی و باز شدن ذهن دست می‌دهد. ۲- ژست: روشن کردن سیگار و بازی کردن با سیگار برای شخص ژست دارد و برخی افراد فکر می‌کنند سیگار احساس آرامش دهد و نزدیک یک سوم از سیگاری‌ها معتقدند که سیگار استرس، خشم، ترس و اضطراب را کاهش داده و یا از بین می‌برد و برخی فقط بنا بر عادت سیگار می‌کشند.

براساس آمار از یک میلیارد سیگاری در جهان، سه چهارم آن‌ها یعنی ۷۵۰ میلیون نفر در کشورهای فقر و در حال توسعه است. این آمار نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی در استفاده سیگار، با اختناق سیاسی و فقر و فلاکت و پایین بودن سطح آگاهی اجتماعی وجود دارد. همچنین قاچاق پرسود سیگار، مانند دیگر اجناس قاچاق، در انحصار آقازاده‌ها و باندهای رژیم قرار دارد.

رییس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تهران

محمد البرادعی رییس آژانس بین‌المللی اتمی، که برای دیداری سه روزه به ایران سفر کرده است، گفت: هدف از سفر به ایران، مذاکره با مسئولان ایرانی و بازدید از تاسیسات هسته‌ای ایران است تا با درک مناسب زمینه‌های کمک آژانس بین‌المللی به ایران مشخص شود. وی در مورد بحران عراق نیز گفت: امیدواریم با حداکثر همکاری عراق، ما بتوانیم پیشرفت خوبی در متقاعد کردن اعضای شورای امنیت مبنی بر این که عراق سلاح کشتار جمعی ندارد داشته باشیم.

در ماه‌های اخیر، از سوی خبرگزاری‌های بین‌المللی، خبرهایی مبنی بر تلاش جمهوری اسلامی، برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و اتمی، در همکاری با روسیه منتشر شده است.

جداری فروغی از وکالت زرافشان برکنار شد

محمدعلی جداری فروغی، وکیل دادگستری از وکالت ناصر زرافشان وکیل خانواده‌های قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای که در زندان به سر می‌برد استعفا داد.

پس از این که جداری فروغی، با زرافشان در زندان اوین دیدار کرد، به ایسنا گفت: در پی این ملاقات با توجه به مذاکرات مشروحه و عدم رضایت موکل از روش دفاعی من و این که اخیراً همکاران دیگری وکالت او را بر عهده گرفته‌اند، ضمن آزوی آزادی هر چه سریع‌تر ایشان، استعفای خود را از پرونده مربوط به ناصر زرافشان که اینک در دادرسی کل کشور در جریان رسیدگی است، به موکل اعلام نمودم.

گفته شده است که جداری فروغی، به جای پی‌گیری پرونده موکلش، به دنبال اهداف و منافع خود بود که این مسئله رنجش و نگرانی زرافشان را در زندان دو چندان کرده بود، او را کنار گذاشت.

قفل و کلید قتل‌های زنجیره‌ای دست شماست!

تاکنون چندین نامه بین عسکراولادی دبیرکل جمعیت موتلفه اسلامی و محمدرضا خاتمی دبیرکل حزب مشارکت اسلامی، رد و بدل شده است. این نامه‌ها در واقع نظریات دو جناح رژیم را منعکس می‌کند. آنان در این نامه‌ها دست به افشای یکدیگر مبنی بر کشتار، قتل، ترور و جنایات‌های بی‌شماری که بر مردم ایران و به ویژه مخالفین اعمال کرده‌اند، می‌زنند و هر کدام دیگری را به سازمان‌دهی این جنایات متهم می‌سازند.

عسکراولادی، در تازه‌ترین نامه خود، خطاب به خاتمی می‌نویسد: «درباره قتل‌های زنجیره‌ای بارها گفته‌ایم که طالب روشننگری هستیم. برای همین در نامه چهارم سه سؤال کلیدی برای ورود به تحقیق، نسبت به علل و عوامل و جزئیات آن مطرح کردیم. شما به هیچ‌کدام از آن سه سؤال پاسخ ندادید. آن سه سؤال کلید ورود به چنین پرونده‌هایی است. ضمن این که شما اطلاع دارید رییس جمهور محترم در این خصوص از طرف مقام معظم رهبری اختیارات تام داشته است و یکی از سه سؤال مطرح شده هم ناظر به همین موضوع است که بی‌پاسخ مانده است. بنابراین هم قفل و هم کلید تحقیق درباره علل و عوامل قتل‌های زنجیره‌ای در دست شماست، چرا آن را باز نمی‌کنید. ما در پرونده سوء قصد به آقای سعید حجاریان معتقد بودیم رسیدگی به شکایت مدعی‌العموم و جرم عمومی، قسمتی از تاریک‌خانه این حادثه را روشن می‌کرد. اما با شکایت خصوصی بخش دیگر این تاریک‌خانه روشن می‌شد، اما متأسفانه این پرونده شاکی خصوصی نداشت. آیا می‌توانید به ما بگویید چرا؟ جالب این جاست که پرونده قتل‌های زنجیره‌ای هم ظاهراً شاکی خصوصی ندارد. آیا می‌توانید پرده از این راز

بردارید؟ حداقل درباره سوء قصد آقای حجاریان رمزگشایی کنیم، ما کسی را متهم نمی‌کنیم، اما می‌توانید از پرسش‌هایی که ما را به حقیقت ماجرا رهنمون می‌سازد، فرار کنید...»

این در حالی است که دکتر ناصر زرافشان وکیل خانواده‌های قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای، هم‌چنان در زندان است. از سوی دیگر روشن است که کلیه جناح‌های رژیم، در سازمان‌دهی و اعمال اختناق، سانسور، کشتار، ترور و سرکوب مخالفین، سرکوب سیستماتیک زنان، و تحمیل فقر و فلاکت دخیل و سهیم هستند. اگر جناح‌های درون رژیم، بر سر تقسیم قدرت و ثروت با هم کشمکش و رقابت دارند، اما اکثریت مردم ایران، به ویژه کارگران، زنان، جوانان، دانش‌جویان، معلمان، بازنشستگان و مردم محروم و تحت ستم، از کلیت رژیم جمهوری اسلامی متنفرند و برای برچیدن بشاط این رژیم، تلاش و مبارزه می‌کنند.

اعدام ساسان آل کنعان و چند زندانی دیگر

دفتر نمایندگی کومه‌له در خارج کشور، در تاریخ ۱۸ فوریه ۲۰۰۳، با صدور اطلاعیه‌ای خبر داد که جنایت‌کاران رژیم جمهوری اسلامی، ساسان کنعان از مبارزین شهر سنندج را اعدام کرده است. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «این اقدام در شرایطی صورت گرفت که هیات‌های ناظر حقوق بشر از جانب دولت‌های اروپایی نیز در ایران به سر می‌برند. این نخستین بار نیست که رژیم اسلامی، برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم به حربه اعدام متوسل می‌شود. این رژیم، طی دوران سیاه حاکمیت خود ده‌ها هزار نفر از مبارزین انقلابی و مخالفان سیاسی خود را اعدام کرده است. باز داشتن دست این رژیم از جنایت و سرکوب و اعدام تنها به نیروی مردم آگاه و هوشیار در ایران میسر است...»

ما، این وحشی‌گری‌های رژیم را شدیداً محکوم می‌کنیم و خود را در درد و رنج و غم خانواده ساسان عمیقاً سهیم و شریک می‌دانیم.

همچنین روز سه‌شنبه بیست و سوم بهمن ۱۳۸۱، روزنامه‌های جمهوری، خبر اعدام ۸ نفر در شهر اراک را منتشر کردند. جنایت‌کاران جمهوری اسلامی، سه هفته پیش چهار زندانی را در چهار نقطه اراک، از جمله یک جوان را در جلوی دانشگاه اراک حلق‌آویز کردند. اسامی این ۴ نفر عبارتند از: محمدصادق صدر، نادر ابراهیمی، علی فرزانه و داود جعفری. چند روز پس از اعدام این چهار نفر، باز روزنامه‌ها خبر دادند که چهار جوان دیگر نیز در میدان «قاتم مقام فراهانی» در شهر اراک به دار آویخته شدند.

نامه تهیه کننده فیلم «اگر دوباره حرف بزنم» درباره بیماری دختران سردشتی

در شماره‌های پیشین «ایران در هفته‌ای که گذشت!»، درباره مبتلا شدن دختران سردشتی به یک بیماری ناشناخته و تحصن تعدادی از این دختران در وزارت بهداشت جمهوری اسلامی در تهران پرداختیم. جمهوری اسلامی، تمام نیروی خود را به کار گرفته است که از انعکاس دلیل ابتلای این دختران جلوگیری کند. همچنین به دروغ و غیرعلمی، بیماری این دختران را بیماری هیستری بنامد. این دختران، ظاهراً پس از تزریق واکسن به این بیماری مبتلا شده‌اند، نمی‌تواند از بی‌اطلاعی مسئولین این جنایت روی داده باشد. سؤال این است که چرا جمهوری اسلامی این همه در تلاش است تا بر بیماری این دختران سرپوش بگذارد؟ مضمون نامه این فیلم‌بردار جوان چنین است:

«شاید امروز بسیاری از افکار عمومی متوجه شده باشند که هفتاد دختر سیزده تا پانزده ساله در یک روستای کردنشین مرزی به بیماری ناشناخته‌ای (!) مبتلا شده‌اند. این افکار عمومی شاید ندانند که این دخترها از یازده ماه پیش به این بیماری مبتلا شده‌اند و تا به امروز یعنی رفتن به مجلس شورای اسلامی و تحصن در نمازخانه وزارت بهداشت تا این اندازه تحت پوشش خبری و مورد توجه محافل اجتماعی و سیاسی نبوده‌اند. البته آخرین اقدام آن‌ها نیز به جای درمان و اندیشیدن به عذاب این فرشته‌های بی‌گناه باعث بهره‌برداری سیاسی و جناحی و متهم کردن این شخص و آن دسته شده است. زیرا دوباره آن‌ها را به امید درمان به روستای دور افتاده‌شان برگردانده‌اند که این خود جای پرسشی است که یک بیماری ناشناخته و یا به قول معروف وزارت بهداشت هیستریای دستجمعی را چگونه می‌توان در یک روستای مرزی بدون امکانات درمان کرد؟ در خرداد ماه امسال از طریق روزنامه‌ها با مساله بیماری ناشناخته دختران دانش‌آموز روستای بیژوی (اسلام آباد) سردشت آشنا شدم. براساس بیانیه وزارت بهداشت که از اخبار نیم روز ساعت ۱۴ منعکس شد نام بیماری را هیستریا بیان کرده و علت آن را محبت بیش از اندازه معلم آبادی به یکی از دانش‌آموزان عنوان کردند. نمی‌دانم چرا نتوانستم به دیدار این هفتاد دختر مضطرب نرم. پس از اندیشیدن به فیلم‌نامه‌ای، این عزم با گرفتن مجوز ساخت فیلمی مستند در این باره از انجمن سینمای جوانان کردستان در تیر ماه میسر شد. در نخستین دیدار و گفت‌وگو با دختران و مردم آبادی، همه اظهارات وزارت بهداشت را تکذیب کردند و چه عذاب‌آور بود تکرار (هیستریا) در برابر آن‌ها که موجب احساس خود کم‌بینی و خجالتی دخترانه در آن‌ها می‌شد. آن روزها هنوز در فکر فیلم‌نامه خود بودم و دوست داشتم که آن‌ها دچار هیستری شده باشند ولی رجوع به ناگفته‌هایشان، خواندن دفتر خاطراتی که مملو از ناکامی و برخوردهای بدی که با آن‌ها شده بود و سرانجام دلیل محکم‌تر که بیست نفرشان اصلاً دانش‌آموز نیستند و دختری به نام شب‌نم که تازه دو روز بود از عراق برگشته و سلامت خود را به دست آورده بود (او نسخه دکتر بیمارستان علویه بغداد و برگه تشخیص بیماری را در دست داشت) همه این دلایل مرا ناامیدتر

می‌کردند که چرا فیلمی به نام هیستریا را نمی‌سازم. پس از پایان مراحل فنی فیلم طبق وعده‌ای که به دخترها و سایر مردم آبادی داده بودم تصمیم گرفتم فیلم «اگر دوباره حرف بزنم» با حضور چند تن از عوامل آن در همان روستا و شهر سردشت نمایش داده شود. اداره ارشاد اسلامی سردشت اظهار کردند فرمانداری به آن‌ها اعلام کرده که باید قبل از نمایش، فیلم را ببینند. در این راستا به فرمانداری رفته و فیلم با حضور آقای میرزایی، فرماندار سردشت و آقای امید شکریازی، خبرنگار صدا و سیما به وسیله ویدیو و تلویزیون دیده شد و موافقت خود را اعلام کردند. همان شب فیلم مستند در مسجد روستا در دو نوبت به صورت رایگان برای عموم مردم به نمایش درآمد و راضی از این که به وعده خود وفا کرده و رضایت را از نگاه مردم و دخترهایی که بعد از رفتن به سلیمانیه عراق، دیگر همه سلامتی خود را به دست آورده بودند، می‌دیدم. بعد از انعکاس فیلم و آماده نمایش بودن آن در مطبوعات، آقای میرزایی طی تماس تلفنی به من گفتند از نمایش فیلم خودداری کنم و فیلم را در اختیار آن‌ها قرار دهم دیگر آن را در هیچ جایی به نمایش نگذارم و این هم‌زمان بود با بازگشت دوباره بیماری. فیلم در جشنواره باران انتخاب شده و در خانه هنرمندان ایران به نمایش درآمد. در نوزدهم دی ماه نیز به عنوان یکی از فیلم‌های منتخب جشنواره سونی در دو نوبت در سینمای فلسطین اکران شد. هم‌زمان با آن از طریق یکی از والدین دخترها مطلع شدم همه آن هفتاد دختر دوباره مبتلا شده‌اند البته این را پزشکان بیمارستان‌های عراق نیز پیش‌بینی کرده بودند و گفته بودند امکان دارد بعد از چند ماه، دگر بار علائم بیماری ظاهر شود. در پاسخ سئوالی که آیا جهت معالجه قصد عزیمت به بیمارستان‌های عراق را دارند؟ گفتند به علت بارش سنگین برف، بسته بودن راه‌های ارتباطی و سرانجام عدم توان مالی بسیاری از مردم، مجبورند فعلاً صبر کنند و از مسئولان بهداشت و درمان و منطقه خواسته‌اند دخترانشان را طبق نسخه پزشکان بیمارستان‌های عراق معالجه و مداوا کنند، آن‌ها نیز قول داده‌اند. ظاهراً اقدامی صورت نگرفته، کاسه صبر مردم روستای بیژوی لبریز شده اقدام به حضور در برابر مجلس و تحصن در وزارت بهداشت کردند. حال که مدیرکل سلامت و بهداشت در نشست مطبوعاتی خود بازگشت این بیماری را رسانه‌ای دانسته و ادعا کرده که این بیماری در شهریور ماه به طور کلی درمان شده اما در پی تهیه فیلمی از این ماجرا دوباره مورد توجه قرار گرفته و منشا آن را روانی دانسته (روزنامه‌های جام جم، آفتاب یزد و ایران روز دوشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۸۱) و در گزارش خبرنگار روزنامه اعتماد (پنج‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۸۱). آقای دکتر مها (معاون وزیر) در جواب سئوالات می‌گوید: خیلی ساده است یکی از دخترها دستش ورم می‌کند، معلم به او توجه می‌کند سایر دخترها هم برای این که مورد توجه قرار گیرند به این بیماری مبتلا می‌شوند در شهریور ماه درمان می‌شوند خانمی به نام هیوا (جهت آگاهی ایشان آقای هیوا درست است) فیلمی مستند می‌سازد و دوباره دختران مورد توجه قرار می‌گیرند. آیا وزارت بهداشت می‌تواند اعلام کند این دختران در کجا و به

وسیله چه دارویی در شهریور ماه درمان شده‌اند؟ اکنون که دو ماه از بازگشت بیماری می‌گذرد چه اقدام یا اقداماتی جهت درمان دوباره آن‌ها انجام داده‌اند؟ و اگر این دختران به تهران پناه نمی‌آوردند آیا اصلاً از آن‌ها صحبتی به میان می‌آمد؟ اگر معتقد به هیستری دستجمعی هستید چه اقدامی برای جدا کردن آن‌ها، اضطراب‌زدایی و روان‌کاوی آن دخترها انجام داده‌اید؟ اگر نمایش فیلم باعث نشات دوباره بیماری شده چرا روانشناسی وجود نداشت که مرا از نمایش فیلم باز دارد؟ آیا متهم کردن مطبوعات، معلم روستا و سرانجام یک فیلم‌ساز جوان یک سناریو تکراری و ایجاد هیستری برای همه کسانی که نگاهی به این مساله دارند، نیست؟ آیا حاضرید در یک نشست با حضور خبرنگاران این فیلم مستند را ببینید و توضیح دهید دیدن این تصاویری که دردناک‌تر از آن در ذهن همه آن دخترها وجود دارد چرا باید باعث ورم دست، درد کلیه، ریزش مو، از دست دادن قدرت تکلم و... شود؟ اگر قادر به درمان آن‌ها نیستید چرا از پزشکان بدون مرز سازمان ملل کمک نمی‌خواهید؟ من یک فیلم‌ساز مستقل و به دور از هر گونه جناح‌بندی و وابستگی سیاسی هستم. این فیلم به حمایت هیچ شخص و ارگانی ساخته نشده و خود کارگردان و تهیه‌کننده آن هستم. تنها می‌خواستم گوشه‌ای از مقاومت و ناکامی آن دخترهای نوجوان را به وسیله دوربین رویت کنم و فیلمی بسازم که صدای آن‌ها باشد. فیلم من هیچ‌گونه حکمی صادر نکرده و از این خوشحالم اگر بتواند در توجه کردن بیش‌تر به دخترهای بی‌ثوی (اسلام آباد) موثر باشد. این نوشته نیز در راستای همین منظور نگاشته شده است.

هیوا امین‌نژاد

این نامه با هر ملاحظه‌ای نوشته شده باشد، اما به خوبی از تلاش جمهوری اسلامی، برای منحرف کردن افکار عمومی و سرپوش گذاشتن بر این بیماری ناشناخته این دختران که عامل اصلی آن کسی جز مسئولین بهداشتی جمهوری اسلامی نیست، پرده برمی‌دارد. باید این واقعه پی‌گیری شود و روشن گردد که جمهوری اسلامی، از چه دارویی و به چه دلیلی برای مبتلا کردن این دختران استفاده کرده است؟

آمریکا، ادعا کرد که در ایران دموکراسی وجود دارد

وزارت خارجه آمریکا، سخنان معاون این وزارت‌خانه را در مورد ایران، مبنی بر این که در ایران دموکراسی وجود دارد تایید کرد. ریچارد باوچر، سخن‌گوی وزارت خارجه آمریکا گفت که در جمهوری اسلامی که یکی از سه ضلع به گفته جرج بوش مثلث یا محور شرارت اعلام شده، نشانه‌هایی از دموکراسی وجود دارد. باوچر، با تاکید بر این که در ایران انتخابات برگزار می‌شود و میزان معینی از آزادی بیان وجود دارد و ما از این ویژگی‌ها به سود مردم ایران حمایت می‌کنیم، گفت: بنابراین هر

قدمی که به سوی دموکراسی برداشته شود و هر حرکتی که به سوی دموکراسی و اقدامات دموکراتیک در ایران انجام شود، از نظر ما باید مورد حمایت قرار گیرد.

این ادعا وزارت خارجه آمریکا، ادعایی کاذب و پوچ است. دلیل چنین اظهار نظری به احتمال قوی ناشی از بند و بست پشت پرده آمریکا با جمهوری اسلامی، در رابطه با بحران عراق است. در هر صورت این موضع آمریکا، قاعدتا باید رضا پهلوی و طیف سلطنت طلب و مشروطه خواه را نگران سازد که تمام امید خود را به سیاست های میلیتاریستی عراق، پنتاگون و سازمان سیا دوخته اند که آمریکا، هر چه سریع تر به عراق حمله کند و پس از آن حملاتش را متوجه ایران سازد. این طیف، با سخن گویان و رادیوهایش از استکهلم تا آمریکا، میلیون ها نفر تظاهرکننده ضدجنگ، ضدسرمایه داری نیروهای آزادی خواه، کارگر، چپ و کمونیست را به شنیع ترین شکلی مورد حمله قرار داده اند که چرا بر علیه جنگ آمریکا و متحدانش به عراق، دست به تظاهرات و اعتصاب می زنند و مانع از این می شوند که آمریکا با حمله به عراق و کشتار میلیونی و آوارگی مردم این کشور، سریع تر به اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی خود برسد تا نوبت ایران فرارسد. خلاصه کلام هر چه قدر معاملات آشکار و نهان دولت ایالات متحده آمریکا با ایران، گسترش یابد به همان نسبت امید و آرزوهای طرفداران احیای سلطنت و به خصوص گرایش راست بر باد می رود و سرشان بی کلاه می ماند.

در چنین شرایطی مسلم است که کارگران، کمونیست ها، مردم محروم و تحت ستم، هم چنان مبارزه خود را برای سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با یک انقلاب اجتماعی و برپایی حکومت آزاد و برابر و انسانی تشدید می کنند.